



و خواهد گرفت و نیازمند بآفریننده نیست - عبادت و مذهب و نذر و نیاز همه من درآوردی روسای ادیان است که میخواهند از سادگی و ابله‌ی مردم استفاده کنند. «  
این فکر در هزاران سال قبل در هندوستان در مکتب مادیون در برابر مدرسه حکماء ربانی تدریس میشد ولی آدمیان از لحاظ علم و صنعت و رشد عقلی و فرهنگ در درجه امروز نبودند و وسائل و وسائط ترکیب و تحایل و تجزیه ماده فراهم نبود معذک چارواکی کتاب مکتب مادی را از ماتریالیستهای زمان ما بهتر توجیه و تفسیر کرده است. !

نظریات ماتریالیسم هیچ ارتباطی با سیر علوم و فنون و ترقیات علمی و فنی ندارد و کوشش آندسته‌ای که میخواهند از این راه بگویند معتقدات مادیون یک اصلی است که از تکامل علمی و سیر و کمال معارف انسانی بوجود آمده و بی سابقه است ) بی اساس و مغالطه آمیز است .

در یونان بین حکمای الهی و فلاسفه مادی مناظره و مشاجره وجود داشته و این مباحث در تمام دوره های تاریخ و سیر علوم و فنون جزء اساس دانش و پیش بوده است.

فلسفه یونان در دیانت مسیح (ع) رخنه کرد و کلیسا برای پاسخ دادن به ملحدین بوضع اسکولاستیک مبادرت ورزید .

در تاریخ فرهنگ اسلام بعد از آنکه در دوره خلفای عباسی کتب یونانی بزبان عربی ترجمه شده باب سؤال و جواب گشوده گردید - دانشمندان اسلامی که اغلب ایرانی بودند بتوانند متن کتابهای یونانی و غبت شایانی نشان دادند و با فهم موضوع گفتارهای مادیون از کتاب آسمانی الهام گرفته از طریق علم و عقل و حس پاسخ آنها را دادند و علم را تاسیس نمودند .

در یونان میان ارباب حس و مشاهده ( طبیعیون و مادیون ) روی وجوه ماده و اصل و حقیقت اشیاء و توجیه چگونگی آثار طبیعت مباحث زیادی در گرفته ولی سقراط پاسخ دندان شکنی بهمه جنجالها و گمراهی ها داده است .

سقراط میگوید : « در انسان قوه عاقله ای هست - در عالم نیز چنین قوه موجود است - عالم نظام دارد و بی قاعده و بی ترتیب نیست هر امری را پایانی است و ذات باری غایت و پایان وجود است و نمیتوان مدار امور عالم را بر تصادف و اتفاق فرض نمود »

افلاطون میگوید : « محسوسات ظواهرند نه حقایق و عوارضند نه اصیل »  
افلاطون عالم محسوس و آنرا که عامه درک میکنند مجاز میدانند و حقیقت در

نظراو معقولات است و معتقد است روان انسان در عالم مجردات قبل از ورود  
بجهان حقیقت زیبایی و حسن مطلق را بدون پرده و حجاب دیده است .  
در باره انسان معتقد است که آدمی زبده وجود و نخبه عالم امکان است  
عقلی است که در روحی قرار گرفته و اسیر زندان تن است .

ارسطو میگوید : «حوادث دولت دارند، مادی و صوری که باعث محرکه  
بآن محرکه وجود را بحرکت میآورد و علت العلل یا علت و محرك اول را که خود  
ساکن مطلق است عقل و ذات میباشد - ارسطو حرکت را از جهت نقص میدانند  
و خدا را واحد میدانند .

**فلوطین Plotin** حقیقت را واحد میدانند و احدیت را اصل و منشاء  
موجودات و مبداء و مصدر کل و غایت وجود عالم فیضانی از مبداء اول است  
کامل است، بخل و دریغ ندارد - فلوطین معتقد است هر فردی از محسوسات در  
عالم معقولات مثالی دارد و معقولات با وجود کثرت همه یکی هستند ماده (هیولی)  
پذیرنده صورت است و دائم در تغییر و تبدیل، عقل واسطه بین ذات احدیت و نفس  
است و نفس واسطه بین عالم روحانی و محسوسات .

حکمت اشراقی و عرفانی را فلوطین توسعه داد - فلوطین از یونانیان  
مصر است که از لحاظ نژاد رومی بوده و در اسکندریه در نزد امونیوس ساکاس  
کسب معرفت کرده است ( نیمه اول سده سوم میلادی )

**فلوطین** : حکمت ایران و هندو یونانی را بهم آمیخته و موسس فلسفه‌ای  
است که آنرا افلاطون نو خوانده اند در مباحث عرفانی میگوید زیبایی بدن از  
روان است و اهل معنی از مشاهده زیباییها بطرف فضائل و کمالات وسیر وسلوک  
میروند آنچه ما میجوئیم در خود ما وجود دارد، باید مست عشق حق بود و از  
علائق مادی دوری جست تا بمبداء باز گردید ( )

تعلق حجاب است و بی حاصلی  
چو پیوندها بکسلی واصلی  
فلوطین میگوید : حقیقت یکی است و منشاء وجود همان حقیقت واحد  
است و جمیع موجودات تراوشی است از مبداء حقیقت که بطریق تجلی و فیضان  
( از او صادر شده است )

ناگهان موجی زبهر لامکان آمد پدید

کز نهیبش این همه شور و فغان آمد پدید

راز خود میگفت با خود آن نگار جلوه گر

راز او بیرون فتاد این داستان آمد پدید

( بقیه دارد )